

بررسی آینده تاریخ از دیدگاه تشیع و عهدین

۱. شهناز تیموری^۱

۲. استاد ارجمند غلامرضا

رضوی دوست^۲

چکیده :

حس کنجکاوی و ویژگی آینده نگری و کمال جویی انسان، او را به شناخت گذشته، حال و آینده علاقه مند می سازد، و در اعماق جانش عشق سوزان و عطش پایان ناپذیری را برای گشودن این رازهای سه گانه پدید می آورد. او را بر می انگیزد تا پیوسته از خودش و دیگران رد مورد آینده پرس و جو نماید، و همواره این پرسش را در ذهن بپرورد و به زبان آورد: که آینده تاریخ و فرجام جهان چگونه خواهد بود؟

انسان به حکم فطرتی که در او ودیعه نهاده شده طالب کمال و سعادت حقیقی یعنی استیلاء بر عالی ترین مراتب زندگی مادی و معنوی می باشد. بی تردید انسان، نوعی از انواع موجودات است که نمی تواند به تنهایی زندگی نماید، و برای رسیدن به آرمان تکوینی خود، ناچار است به صورت اجتماعی به سر برده، هدف وجودی خود را به دست آورد. یک نظریه عقلی به ما نوید قطعی می دهد که عالم بشریت یک روز ایده آلی، در پیش دارد که سر تا سعادت و خوشبختی و کامیابی بوده و در آن هنگام همه خواسته های فطری انسانی که در او ایجاد شده برآورده خواهد شد. در نگرش قرآن رنج و اندوه انسان، ابدی نیست. بر طبق قوانین و سنن الهی آنچه مایه ی رنج و درد و اسارت انسان و مانع حرکت تکاملی و اصلاحی اوست، محکوم به فناست و هرآنچه به سود بندگان شایسته و کمال جوی خداست درخشندگی و شکوه خواهد یافت، تحقق وعده الهی، عصر طلایی ظهور و روزگار آزادی و رهایی است. روزگار ظهور آخرین خلیه ی خدا و آخرین فرزند معصوم پیامبر است.

واژگاہ کلیدی: آینده، تاریخ، قانونمندی، سنت الهی- تشیع

^۱ - طلبه سطح ۳ حوزه علمیه مکتب نرجس «س»، زاهدان تلفن تماس ۰۹۰۱۴۴۵۳۶۹۲
^۲ - عضو هیأت علمی، علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات، دانشگاه س وب تلفن تماس ۰۹۳۵۳۰۴۱۹۷۴

مقدمه :

پدیده تاریخی، در حقیقت همان جامعه دیروز است، هم چنان که رویدادهای امروز، تاریخ فردا را تشکیل می دهد؛ و این انسان است که در هر حکومت و جامعه ای، از ابتدائی ترین و ساده ترین و بسته ترین جامعه های بشری، تا پیشرفته ترین و مدرنترین و توسعه یافته ترین جامعه ها، دانسته یا ندانسته، دست اندرکار آفرینش حوادث مطلوب و نامطلوب، رخدادهای افتخار آفرین یا شرم آرو و غمبار برای ساختن تاریخ، تنظیم فهرست و فصول، اوراق و عناوین، سطور و کلمات و حروف آن است. واقعیت این است که جامعه و تاریخ دو روی یک سکه است. انسان در مقطع خاض طمان و در حال ایستایی جامعه نام دارد و در بستر حرکت زمان، به دریافت لقب تاریخ مفتخر می شود.

حس کنجکاوی و ویژگی آینده نگری و کمال جویی انسان، او را به شناخت گذشته، حال و آینده ی خویش علاقه مند می سازد، و در اعمال جانش عشق سوزان و عطش پایان ناپذیر را برای گشودن این رازهای سه گانه پدید می آورد. او را برمی انگیزد تا از سویی به مطالعه ی تاریخ پیشینیان خویش دست یابد، و از شرایط معاصر تا اعماق تاریخ و تا سپیده دوم آن، پیش رود. وقایع و حوادث نهفته در دل تاریخ و ما قبل تاریخ را، با شیوه ها و اسلوب های ابتکاری و تجهیزات مدرن، کشف و زیر ذره بین تجزیه و تحلیل برد، تا ضمن شناخت گذشته و کسب آگاهی های سودمند، درس ها و تجربه های گرانهبا و ارزشمندی را از شکوفایی و فروپاشی جامعه ها و سلسله های پیشین، برای ساخت دنیای نو و جامعه ی مطلوب فراگیرد، و از دگر سو همین عوامل به علاوه بیم و امید، انسان را به تفکر عمیق و کاوش پی گیر در مورد آینده ی خود و دیگران، آینده ی جامعه ها و تمدن ها، و همچنین

آینده ملت ها و امت ها و سلسله ها، ارمان ها و ایده آل ها و در مورد آینده ی جهان و واپسین حرکت تاریخ و فرجام جامعه ها و تمدن ها بیندیشد.

او را بر می انگیزد تا پیوسته از خویشتن و دیگران در مورد آینده پرس و جو کند، کنکاش نماید، و همواره این پرسش را در ذهن بپرورد و به زبان آورد: آینده ی تاریخ و فرجام جهان چگونه خواهد بود؟ به کجا خواهد انجامید؟ آیا آینده ی تاریخ، آینده ای است زیبا و یا زشت؟ هنجار و میزان و متوازن و متعادل است، یا هنجار و نامیزان و کج و معوج و پر از بی تناسبی ها، بی تعادلی ها، افراط و تفریط، بیدادها و خشونت ها؟ آیا آینده از آن حق است یا باطل؟ آیا سرنوشت محترم جامعه های انسانی همین است که حکومت مردم شایسته و برگزیده و مورد خواست و رضایت خویشتن را تجربه نکند و همیشه در چنگال زور و فریب و سرکوب و خشونت دست و پا زند؟ یا سرانجام آرزوها و آرمان ها و ایده آل های انسان تحقق خواهد یافت و امید فردایی زیبا و پیروزی دوست داشتنی طلوع خواهد کرد؟ کدام یک، این یا آن؟ اینها همه پرسش هایی است که در این پژوهش سعی بر این شده که به آن پرداخته شود.

قانونمندی حرکت جامعه و تاریخ از دیدگاه اسلام:

از دیدگاه اسلام حرکت تاریخ، حرکتی است خردمندانه و براساس ضوابط و قوانین بر روند جامعه، مقررات و سنت هایی حکومت می کند که جاودانه، تخلف ناپذیر و جهان شمول هستند. این قانون مداری تاریخ و نظام حاکم بر سیر جامعه ها، در کران تا کران قرآن و بیانات پیشوایان نور، با واژه های مختلف، قالب ها و چهارچوب های خاص، جمله ها و عبارت های ویژه ای وارد شده، و نشانگر این حقیقت حیاتی است که هرگز بر تاریخ بشر، تصادف و اتفاق، فرمان نمی راند و شانس و اقبال آن را نمی سازد! (کرمی فیدونی، ۱۳۸۸، ۱۱۱).

موضوع قانونمندی حرکت جامعه و تاریخ را، نخستین و شایسته ترین شاگرد مکتب وحی، امیر مؤمنان پیش از همگان از قرآن و پیامبر دریافت نمود، و پس از پیامبر، او نخستین کسی بود که

آن را به مردم آموزش داد و همگان را به آن توجه داده او، که در رایت دشواری از یک دگرگونی منفی در جامعه و مدیریت و رهبری اسلام قرار داشت و به نقش تاریخ ساز جامعه در سرنوشت خویش آگاه بود، و نیک می دانست که غفلت از قوانین تحول اجتماعی و سیاسی و بیگانگی از راز و رمز عروج و سقوط تمدن ها و پیشرفت و فروپاشی ملت هاف چه نتایج دردناک و وخیمی به بار می آورد، در آن فضای مسموم تاریک فکری ها و فتنه ها و خودکامگی ها و بهره وری ابزاری از خدا و مذهب، می کوشید در قالب های گوناگون، فرازهای متنوع و چهره ها و خطابه های بیدادگر، سنت های تاریخ و قوانین اجتماعی رابه مردم بشناساند و بیابان قانونمند بودن روند جامعه و تاریخ، آنان را از سیر حوادث و آینده ی تحولات آگاه ساخته و از سرنوشت شومی که به دلیل غفلت ازمسیر تعالی و سقوط جامعه ها و عدم ایفای نقش توحیدی و تاریخی خود و انواع فرصت سوزی ها، در انتظار یا کمین آنها ست، هشدارشان دهد. (۲۲. پایدار، ۱۳۸۵، ۸۳).

در بیانی ظریف و زیبا می فرماید:

هان ای بندگان خدا! روزگار همان گونه که بر پیشینیان گذشت بر آیندگان نیز می گذرد و همان قوانین و سنت های تاریخ که بر جامعه ها و تاریخ گذشته حکومت کرد، بر آیندگان نیز حکومت خواهد کرد. آنچه ازکارهای جزیی، از آن گذشته است باز نمی گردد و آنچه در آن است ماندگار نمی ماند. فرجام کارش بسان آغاز کار آن خواهد بود و کارهایش همانند هم و نشانه هایش نمایان و روشن است. (۱. دشتی، ۱۳۹۰، خ ۱۵۷).

این بیان نشانگر آن است که جامعه و تاریخ در حرکت و تحول است، و در این حرکت، نقش انسان، نقش تعیین کننده و قاطعی است، یعنی حرکت تاریخ تابع قانونمندی است که گذشته و حال نمی شناسد و همیشه شارس و جاری است.

قانونمندی حرکت جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن:

قرآن در آیات فراوانی با قالب های متفاوت و صورت های گوناگون، حقیقت قانونمند بودن سیر جامعه و حرکت تاریخ را طرح می کند؛ و تصریح می نماید که امت ها و جامعه ها از آن جهت

که امت و جامعه هستند، نه افراد و اعضای جامعه، سنت ها و قوانین، اعتلاها و انحطاط ها، سرنوشت مشترک و نامه عمل جمعی و مسئولیت عمومی دارند، و این حقیقت، به معنای قانونمندی حرکت تاریخ و جامعه است. (۲. ممدپور، ۱۳۸۹، ۱۰)

از دیدگاه قرآن بر جهان طبیعت و تاریخ، ضوابط و قوانین اساسی و تغییر ناپذیری به فرمان آفریدگار سستی حاکم است، که قرآن از آن به سنت های خدا و «کلمات الله» تعبیر نموده، واژه سنت، در قرآن به معنای طریقه، روش، قانون جاودانه و سبک همواره آفریدگار هستی نسبت به جهان و انسان آمده است. (۳. اصفهانی، ۱۴۲۳، ۲۵۱)

همچنین قرآن بیان می فرماید: در عالم تکوین و حتی تشریع قوانین ثابت و ماندگاری به فرمان آفریدگار جهان حاکم است و تاکید می گردد این قوانین همچنان که در گذشته های دور از تاریخ بشر حاکمیت داشته اند، بر امروز و فردا و فردهای دور و همیشه تاریخ نیز حاکمیت خواهند داشت. بنابراین سنت ها همچنان که از نظر مکان و اجتماعات، جهان شمول هستند از نظر زمان نیز از خاصیت ماندگاری و استمرار برخوردارند و همچنان که بر تاریخ و جوامع گذشته حاکم بوده اند، بر تمدن ها و تاریخ کنونی نیز حکومت خواهند شدا. (کرمی فریدونی، ۱۳۸۸، ۱۶۴)

قرآن در ترسیم ویژگی جهان شمولی در سنت های خدا می فرماید: «... سُنَّةُ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» ... این شیوه و روش پایدار خدا درباره ی کسانی که پیش از این بوده اند و در گذشته اند نیز جریان داشته است؛ و هرگز در سنت و شیوه ی خدا دگرگونی و جابه جایی نخواهی یافت. (احزاب/۶۲)

آینده تاریخ از دیدگاه تشیع:

با یک نظر کلی که به جهان آفرینش می افکنیم، می بینیم، که هر نوعی از انواع مختلف آفرینش، از نخستین روز پیدایش متوجه آفرین مقصر کمالی و هدف نوعی خود بوده، و با نیروی مناسب وی که مجهز است، برای رسیدن به این هدف، بی آنکه کمترین سستی و

اگر تنها یک روز از عمر این جهان باقی مانده باشد، خدای فرزانه بزرگ مردی از خاندان مرا برخواهد انگيخت تا زمین را پس از آن که از ظلم وجود اکنده شده باشد- از عدل و داد لبریز کند. (صحیح ابوداود/ج ۲/ص ۲۰۸۹).

همچنین در روایات آمده است فرجام تاریخ و آینده ی انسانف روزگار شکوهمندی را در پیش دارد؛ روزگاری که در آن، جهان همواره شاهد عدل و داد، گواه برابری و مساوات، آراسته ی هه امنیت و آرامش برای همگان، شاهد دستگاه قضایی دادگر و آراسته به قانون گرایی، بی طرفی، استقلال در اندیشه و عمل، شاهد رفاه و آبادانی، گواه بی نیازی خواهد بود، و دیگر اثر و نشانی از فقر مادی و فکری، اخلاقی و معنوی، این بالاهای بزرگ و تباهگر عصرها و نسل ها نخواهد ماند، و ان گاه که زندگی برای همه زیبا، دل انگیز و دوست داشتنی خواهد شد. (کرمی فریدونی، ۱۳۸۸، ۵۶۲).

امام صادق «ع» در این مورد فرمود:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ، وَ ارْتَفَعَ الْجَوْرُ فِي أَيَّامِهِ، وَ اَمْنَتْ بِهِ السُّبُلُ، وَ أَخْرَجَتْ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا، وَ رُدَّ كُلُّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِهِ ... وَ حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ حَكَمَ مُحَمَّدٌ»ص» فَحِينَئِذٍ تُظْهِرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا، وَ تُبْدِي بَرَكَاتِهَا وَ لَا يَجِدُ الرَّجُلُ يَوْمَئِذٍ مَوْضِعاً لِبَصَدَقَتِهِ وَ لَا الْيَرَّةَ لِشُمُولِ الْغِنَى جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ!»

هنگامی که مهدی «ع» قیام کند، براساس عدل و داد حکومت خواهد کرد، و بساط ستم و استبداد، روزگار درخشان او زمین و زمان برچیده می شود، راه ها در پرتو عدالت و مدیریت وصف ناپذیر او امن و امان می گردد، و زمین و زمان برکات خود را ظاهر می سازد، و هر حقی به صاحب حق، داده می شود. او، در میان جامعه و مردم جهانه، مانند داود و محمد «ص» داوری می کند و در این هنگام زمین گنج ها و منابع حیاتی خود را آشکار و برکات خود را ظاهر می سازد؛ به گونه ای که هیچ کس برای انفاق و بخشش خود نیازمندی پیدا نتمی کند؛ چرا که بی نیازی و رفاه و بزرگ منشی کران تا کران خانواده ی جهانی را در بر می گیرد. (علامه مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۵۲، ۳۳۸).

بشارات عمومی در عهدین:

ادیان و اقوام دیگر جهان نیز منتظر منجی و مصلح هستند. تقریباً همه کسانی که در این زمینه مطالعه دارند معتقدند که تمام اقوام جهان در انتظار یک رهبر و منجی بزرگ به سر می‌برند که هر کدام او را به نامی می‌خوانند. (کاشانی، ۱۳۸۸، ۳۱).

در کتاب های مقدس، نیز بشارت هایی آمده است که بر شخص معینی تکیه نمی‌کند و شامل امیدی در آینده برای نجات همه بشریت می‌باشد، و مورد توافق همه امت‌ها خواهد بود.

در تورات «کتاب حقوق نبی» می‌خوانیم: «واگر چه تأخیر نماید، برایش منتظر باش، زیرا البته خواهد آمد و درنگ نخواهد کرد، بلکه جمیع امت‌ها را نزد خویش جمع می‌کند و تمامی را برای خویش فراهم می‌سازد، در کتاب «حکیم نبی» فصل ۲ می‌خوانیم: «تمامی امم رابه هیجان می‌آورم و مرغوب همگی طوائف خواهد آمد. پر می‌کنم این خانه را از ذل جلال، امر خدای لشکرهاست»

همچنین در کتاب «راهنمایی نبی»: فصل ۳ می‌فرماید: «آن وقت برگردانم به قوم هالب پاکیزه، برای خواندن هم بنام خدای و عبادت کردن ایشان به یک روش»

این انتظار، در دین مسیح و مسیحیان عصر حاضر هنوز زنده است. در مصاحبه ای که با یکی از رهبران مسیحی ایران انجام شده، در مورد اینکه آیا شما مسیحیان، منتظر شخص یا شخصیتی هستید که بیاید و تغییراتی در اجتماع بشری به وجود آورد؟

او پاسخ می‌دهد: دین ما نیز مثل اکثر ادیان دیگر- که به آمدن فردی اعتقاد دارند- به ظهور مجدد حضرت عیسی اعتقاد دارد.

همه مسیحیان هم به این معتقدند چون نزد حضرت اعلام کرده اند و در انجیل هم آمده است که حضرت عیسی فرموده: «من اکنون می‌روم و بازخواهم گشت»

البته برای زمان ظهور حضرت مسیح تاریخ مشخصی در بشارات انجیل نمی‌یابیم، و از این جهت شباهت دقیقی با اعتقاد اسلامی درباره زمان ظهور وجود دارد.

در انجیل مقی می خوانیم :

«اما آن روز و آن ساعت را نمی داند کسی از بشر و فرشتگان آسمان، مگر پدر»

در جای دیگر می گوید:

«بیدار باشید در این وقت، پس به درستی که شما آن روز و آن ساعت را نمی دانید»

نتیجه حاصل از این پژوهش:

انسان به حکم فطرتی که در او ودیعه نهاده شده است طالب کمال و سعادت حقیقی خود یعنی استیلاء بر عالی ترین مراتب زندگی مادی و معنوی به صورت اجتماعی می باشد، و در سیر همین زندگی اجتماعی رودی فرا خواهد رسید که سعادت را، روز ظهور و پس از ظهور مهدی معرفی می نماید. قرآن نویدگر بهروزی و نجات و سرانجام خوش برای تاریخ و روزگار و آینده ای آزادمنشانه و شکوهمندانه برای جهان و مردم آن در واپسین حرکت تاریخ است. آینده انسان، روزگار شکوهمندی را در پیش دارد؛ همراهی و خشنودی جهان و جهانیان شاهد مدیریت و نظامی نوین، عادلانه، مترقی و مردمی با همدلی و مشارکت، همراهی و خشنودی همگان خواهد بود؛ به گونه ای که نه تنها انسان های روی زمین، که آسمانیان نیز از ان مدیریت درخشان و سعادت ساز و بهشت آفرین، هر صبح و شام آگاهانه و آزادانه اعلام خشنودی و رضایت می کنند، چرا که از سویی هم جا را لبریز از عدل و داد، آزادی و برابری، رفاه و رونق، عمران و آبادانی، مهر و بشر دوستی، تأمین حقوق و کرامت بشر و رشد فکری و شکوفایی اخلاقی همگانی می نگرند، و از دگر سو هیچ چیزی که مایه ی ناخشنودی و نارضایتی و نرگرانی، استبداد و نهانکاری و قانون شکنی رایج در حکومت ها باشد را نمی یابند. ادیان و اقوام دیگر جهان نیز منتظر منجی و مصلح هستند، که هر کدام او را به نامی می خوانند.

فهرست منابع:

۱- قرآن

۲- نهج البلاغه ردشتی

- ۳- طباطبائی، محمدحسین، المیزان، قم، دفتر انتشارات وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۴- علامه - مجلسی، بحار الانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.
- ۵- اصفهانی، راغب، مفردات قرآن، قم، انتشارات ذوی القربی [بی تا]
- ۶- الهامی، داود، او خواهد آمد، قم، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ م.
- ۷- مصباح یزدی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹.
- ۸- موسوی کاشانی، سیدمحمد حسین، جهان در آینده، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸.
- ۹- حیدری، تجسم امید و نجات، انتشارات مسجد مقدسجمکران، ۱۳۸۲.
- ۱۰- کرمی فریدونی، علی، ظهور و سقوط تمدن ها از دیدگاه قرآن، قم، نشر مرتضی، ۱۳۸۸.
- ۱۱- جعفری، یعقوب، بینش تاریخی قرآن، تهران، انتشارات صدرا.
- ۱۲- حکیمی، محمدرضا، تفسیر آفتاب، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۱۳۸۵.
- ۱۳- حکیمی، محمدرضا، خورشید مغرب، تهرانف دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰.
- ۱۴- مطهری، مرتضی، جامعه و تاریخ، انتشارات صدرا.
- ۱۵- ممدپور، یحیی، قانون مندی جامعه و تاریخ، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۹.
- ۱۶- پایدار، علی، تاریخ در آیینه عبرت، تهران، سازمان انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵.
- ۱۷- قنبری، حیدر، سنت های تاریخ از دیدگاه قرآن، قم، ۱۳۸۹.
- ۱۸- حکیمی، محمد، در فجر ساحل، مشهد، انتشارات پرتو، ۱۳۴۸.

